

زیانبارترین نوع مدیریت در هر شرایطی به ویژه شرایط خاص و بحرانی، مدیریت سینوسی است. در این شیوه مدیریت، به نظریات کارشناسی و نمودارهای آماری توجه نمی‌شود، تصمیمات باری به هر جهت گرفته شده و همواره در سعی و خطا به سر برده می‌شود. حاصل مدیریت سینوسی، خیلی خوشبینانه صفر می‌باشد؛ در حالی که با توجه به محدودیت منابع، همواره منفی است و نه تنها پیشرفتی صورت نمی‌پذیرد، بلکه بازگشت به عقب هم صورت می‌گیرد. حرکت‌های سینوسی به سمت میرائی رفته و در نتیجه انسان و جامعه از تعالی و کمال بازمی‌ماند.

در سال‌های اخیر متأسفانه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شاهد اعمال این نوع مدیریت بوده‌ایم و در این خصوص خسارت‌های سنگینی به کشور وارد شده است. نمونه واضح آن را می‌توان در مقابله با بیماری شایع کرونا که خودش را به صورت یک بحران فراگیر نشان داد، مثال زد. در صورتی که ظرف دو ماه گذشته به فراز و نشیب در تصمیم‌گیری‌ها توجه نماییم، به عمق موضوع پی خواهیم برد. تفاوت اعمال مدیریت در کشور چین با ایران، بهترین تبیین این مسئله است. در آن کشور تصمیمی سختگیرانه و تهاجمی اتخاذ گردید و با همه توان و ظرفیت به اجرا گذاشته شد و نتیجه آن کنترل پیروزمندانه بر چنین بیماری مهلکی بود که جمعیت بالغ بر یک میلیارد و پانصد میلیون نفری را تهدید می‌کرد، اما در ایران، رئیس محترم دولت بارها تصمیم در قرنطینه ماندن و نماندن، به سفر رفتن و نرفتن را نقض نموده و یا تزلزل ایجاد کرده و در چنین شرایط سخت و بحرانی، تصمیمات در حد توصیه اعلام شده است، در صورتی که اگر در فضای مجازی از طریق مردم ایجاد حساسیت و آگاهی و اطلاع‌رسانی انجام نمی‌گرفت، کادر درمان کشور از خود ایثار و فداکاری نشان نمی‌داد، آحاد جامعه پشتیبانی نمی‌کرد و پارک‌های علم و فناوری به صورت خودجوش پای کار نمی‌آمد، معلوم نبود وضعیت کشور چگونه می‌شد و آنقدر جنگ و گریز با این بحران، همراه با تزلزل و فراز و نشیب و عقب‌نشینی و پیشرفت همراه می‌باشد که ممکن است در صورت عدم کشف واکسن و داروی درمان در کوتاه‌مدت، سال‌ها کشور درگیر آن باشد.

– ظرف سال‌های گذشته در سایر عرصه‌ها نیز وضع بهتری نداشته‌ایم. در سیاست خارجی، برجام همه ظرفیت‌های مادی و معنوی کشور را تحت الشعاع خود قرار داد و علی‌رغم اینکه طرف مقابل این پرونده را بسته و پس از تعطیل نمودن کامل پروژه هسته‌ای کشور، به دنبال امتیاز گرفتن بیشتر است، اما دستگاه دیپلماسی در یک فضای تخیلی به حرکت‌های سینوسی خود ادامه می‌دهد و نمی‌تواند به جمع‌بندی برسد که در ادامه چنین مسیری زیان‌های غیرقابل جبران، انباشته‌تر خواهد شد.

– و یا در عرصه‌های اقتصادی، رویکرد به داخل و استفاده از ظرفیت‌های داخلی و در مقابل رویکرد خارجی و دوییدن به دنبال آمریکا و غرب از جمله فراز و فرودهای سیاست‌های اقتصادی است که بسیار خسارت بار بوده و به عبارتی می‌توان گفت که به تاراج رفتن ذخایر ارزی و طلای کشور و به وجود آمدن بحران ارزی در کشور به نحوی برآمده از این نوع نگاه بوده و هنوز هم که هنوز است، مسئولان اقتصادی و سیاسی دولت به قطعیت در تصمیم نرسیده‌اند و علی‌رغم اینکه قیمت نفت به شدت تنزل پیدا کرده است، همچنان به درآمد نفتی چشم دوخته‌اند. برای بخش تجارت خارجی و واردات کالاهای خارجی نوعی سردرگمی وجود دارد و سیاست قطعی، روشن نیست و تولید داخل با موانع بسیاری از جمله سیستم بانکی، مالیاتی، مقررات بازرگانی، محیط زیست، قانون کار و ده‌ها مورد دیگر روبه‌رو است.

– در عرصه فرهنگی و اجتماعی هم وضع بهتر از سایر عرصه‌ها نیست. باورهای انقلابی و ارزشی همچنان در فراز و فرود دیده می‌شود و در تثبیت و قطعیت یافتن آن در جامعه تزلزل وجود دارد و گامی به سوی تعمیق باورهای دینی که پشتوانه باورهای انقلابی است، برداشته نمی‌شود.

بدیهی است که اثرات این گونه رفتارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، در جامعه پدیدار می‌شود و شاهد برخی گسست‌های روابط اجتماعی هستیم. اعتماد عمومی و هنجارها دچار خدشه شده و سرمایه اجتماعی روز به روز کاهش می‌یابد. بنابراین همان‌طور که تجربه ثابت کرده است، برای مقابله با هر بحرانی از جمله بحران کرونا با اتخاذ سیاست‌های قاطع و اجرای دقیق آن می‌توان پیروز شد و هزینه‌ها و خسارت‌ها را به حداقل رساند. این موضوع در رابطه با سایر مؤلفه‌های اداره جامعه و کشور نیز صدق می‌کند و **حرکت‌های سینوسی** و با فراز و نشیب و یا حرکت‌های سختگیرانه و غیرسختگیرانه، آفت بزرگی بر اعمال مدیریت تعالی بخش است و کشور را با زیان‌های مزمّن و تاریخی مواجه خواهد ساخت که متأسفانه امروز در دستگاه اجرایی کشور با آن روبه‌رو هستیم.